

وضعیت اجتماعی و سیاسی زمان ابن سینا و فعالیتها و پیامهای

معنوی وی

حسین حاتمی

مریم حاتمی

ندا حاتمی

چکیده

مقدمه: در قرن چهارم هجری علما، بزرگان، فلاسفه، فقها، ادبا، شعرا و نویسندگان بسیاری در آسمان علم و ادب و پزشکی و بهداشت ایران باستان و بلکه جهان اسلام، درخشیدند که با تلاش شبانه‌روزی آنان علوم و ادبیات دنیای اسلام از دستبرد حوادث ایام، محفوظ ماند و موجبات رشد و شکوفایی و نوآوری‌های علوم اسلامی را فراهم نمود و ابن سینا تنها یکی از آنها و در عین حال گل سرسبد آنان را تشکیل می‌داد.

انسان والایی که در سایه تلاش، پشتکار، پایداری و شکیبایی و توکل به خداوند، مدارج عالیه کمال را طی کرد و در زمینه تالیف دایرةالمعارف قانون در طب، علاوه بر گردآوری اندوخته‌های مکتوب ملل مختلف که بسیاری از این آثار در کتابخانه‌های کاخ‌های شاهان، محبوس گردیده بود، تجربیات پزشکی ایران باستان و بویژه دانشمندان دانشگاه جندی شاپور و تجربیات شخصی خود را نیز بر آن افزود و کتاب قانون را با بهره‌گیری از سبک ادبیات توحیدی و علم برخاسته از ایمان خود به رشته تحریر درآورد.

وی اثری را خلق کرد که به منزله ریشه و اساس طب نوین محسوب می‌شود و از تکامل آن دیدگاه‌های زیربنایی بهداشتی و طب رایج، پا به عرصه وجود گذاشته، کتابی که هرچند در سایه پیشرفت‌های علمی و تولید ابزار پژوهش، بسیاری از مطالب آن با مطالب و شیوه‌های جدید پزشکی و بهداشت جایگزین شده است ولی همچنان بسیاری از پیام‌های بهداشت گرای و پژوهش‌محوری و خداجویی آن با شادابی و پویایی هرچه تمامتر، بر تارک منابع پزشکی و بهداشت جهان می‌درخشد.

هدف: آشنایی بیشتر با راه و روش ابن سینا و کشف رمز موفقیت او و اقتباس از شیوه‌های موثر و مفید وی به منظور کسب موفقیت‌های آموزشی - پژوهشی و استفاده از این رهاوردها به منظور حفظ و ارتقاء سلامتی انسانها می‌باشد.

نوع مطالعه: این مطالعه از نوع کتابخانه‌ای است و به منظور ارتقای دقت یافته‌ها حتی‌الامکان از ابزار جدید نسخه‌های الکترونیکی منابع موجود که دارای قابلیت جستجوی سریع و دقیق هستند استفاده گردیده است.

یافته‌ها: شامل سبک نگارشی ادبیات توحیدی، بهداشت گرایي و پژوهش‌محوری و احتراز ابن سینا از پوچ‌گرایی و نسبت دادن بیماری‌ها به حلول شیاطین و اجنه و امثال آن‌ها است و علاوه بر آن نکات پویا و حرکت‌آفرینی در خصوص درمان بعضی از بیماری‌ها نظیر هاری، جذام، سل و امثال اینها در این اثر نفیس به چشم می‌خورد که می‌توان آنها را به عنوان فرضیه‌های قابل اثبات یا نفی، در نظر گرفت و پس از آزمون‌های لازم، به عنوان شیوه‌های پشتیبان و مکمل روش‌های درمانی رایج و یا حتی به عنوان ره‌آوردهای نوینی مورد بهره‌برداری قرار داد.

نتیجه‌گیری: لازم است نسل دانشجوی فعلی در قالب درس فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، با افکار توحیدی و حرکت‌آفرین دانشمندانی همچون ابن سینا و نقش فرهنگ ایرانی در تکامل فرهنگ و تمدن اسلامی آشنا شوند و در آینده‌ای نه چندان دور، جای خالی امثال ابن سینا را پر کنند.

واژگان کلیدی

فرهنگ و تمدن اسلامی؛ ابن سینا؛ تاریخ پزشکی؛ پزشکی نیاکان؛ گل مرداب.

وضعیت اجتماعی و سیاسی زمان ابن سینا و فعالیت‌ها و پیام‌های معنوی وی

در قرن چهارم هجری، سرزمین پهناور ایران باستان از لحاظ سیاسی، وضع خاصی بخود گرفته بود. زیرا در آن زمان به علت مبارزات دائمی و پیگیر قرون قبل، حکومت امویان برای همیشه از کل سرزمین‌هایی که از حدود بغداد تا سرحد چین گسترده شده بود منقرض شده و دیگر در هیچ جای این امپراطوری وسیع، اثری از آثار مستقیم حکومت سیاسی آنان دیده نمی‌شد. ولی رژیم‌هایی که پس از غلبه اعراب جایگزین امپراطوری ساسانیان شده بودند، در مدت این چهار قرن در سراسر خاک پهناور ممالکی که تحت تسلط اعراب، اداره می‌شد ریشه‌های عمیقی دوانده بودند. به این معنی که به محض تضعیف دستگاه حاکمه وقت و سست شدن مبانی حکومت آن، به حکم سنت تاریخ، کشور پهناور ایران باستانی مانند سایر کشورهای اسلامی به ناحیه‌های کوچکی تقسیم شد که بر هر ناحیه‌ای فردی بنام امیر، پادشاه یا سلطان تسلط پیدا کرد.

این سلاطین و امرای محلی بنا به اقتضای وضع اقتصادی و رژیم ملوک الطوائفی دائما با یکدیگر در جنگ و نزاع بودند و هر کدام می‌کوشیدند تا قلمرو کوچک خود را وسعت بخشند و از مزایای مادی بیشتری برخوردار گردند. بدیهی است که این آرزو تحقق پیدا نمی‌کرد مگر اینکه حکومت‌های محلی دائم با یکدیگر در جنگ و ستیز باشند و بنابراین تاریخ سیاسی قرن چهارم و قرون بعد را یک سلسله جنگ‌های محلی تشکیل می‌دهد که اغلب به نفع دسته‌ای و ضرر گروهی دیگر و پایمال شدن حقوق توده مردم، تمام می‌شد و در این میان، بسیاری از انسان‌های بی‌گناه، جان می‌باختند و ناامنی اجتماعی گاهی به اوج شدت خود می‌رسید.^۱

در آن زمان و در چنان شرایطی در سیستان خاندان صفاریان حکمرانی داشتند

و در همسایگی آنان غزنویان بر افغانستان و قسمتی از هندوستان و بعدها خراسان حکومت می‌کردند. کشور ازبکستان فعلی در دست امیران سامانی بود که با امرای سرکش حکومت خود و پادشاهان اطراف دائماً در جنگ و نزاع بودند، پس از آنان ملوک خانیه یا آل افراسیاب، تسلط یافتند، در همان اوان، مأمونیان بر خوارزم حکومت می‌کردند. گرگان و طبرستان و ری و جبال و فارس و عراق عرب نیز جولانگاه آل زیار و آل بویه بود.

این سلاطین محلی که هیچکدام زیر بار حکومت دیگری نمی‌رفتند دائم به کشمکش‌های داخلی و خارجی مشغول بودند و به مصداق آیه شریفه «هرگاه پادشاهان وارد دیاری بشوند آنجا را به فساد می‌کشانند»^۱ کشور ایران را به جزایر مردابی و جنگل پراکنده نامنی تبدیل کرده بودند ولی با همه این احوال، گویی دعای پُرمعنای «خداوندا ظالمین را به جان یکدیگر بینداز و به یکدیگر، مشغول فرما»^۲ اجابت شده و گل‌هایی با رایحه جهانی در آن مردابهای سیاسی^۳، رویید و قرن چهارم را از لحاظ وضع فرهنگی، به عنوان درخشان‌ترین ادوار تاریخ کشورهای اسلامی، جلوه‌گر کرد زیرا در این دوره علما و بزرگان و فلاسفه و فقها و ادبا و شعرا و نویسندگان بسیاری پیدا شدند که به همت آنان علوم و ادبیات این کشورها از دستبرد حوادث ایام، محفوظ ماند و موجبات رشد و شکوفایی و نوآوری‌های علوم اسلامی را فراهم نمود تا آنجا که در سایه تعلیمات منطقی، امیدبخش و حرکت‌آفرین اسلامی و فرهنگ غنی توحیدی، در یک زمان و از یک مکان، یعنی شمال شرقی ایران باستانی، دو خورشید جهان افروز فردوسی و ابن سینا طلوع کردند تا یکی هزاره دوم میلادی را با خردگرایی و تاکید بر اصالت توانایی در سایه دانایی، در اوج گذار اندیشه‌های انسان اسلامی، بنام خداوند جان و خرد، آغاز و بلکه افتتاح نماید و دیگری با تاکید بر اصالت و اولویت

پیشگیری بر درمان، شعار جامعه‌نگری پزشکی اواخر هزاره دوم میلادی را از همان آغاز هزاره، سر دهد و او نیز با الهام از فلسفه بهداشت قرآنی، هدف پزشکی را حفظ تندرستی به هنگام سلامت و بازگرداندن آن در زمان بیماری، اعلام کند و با توأم کردن علم و ایمان^۵، آیه شریفه «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات^۶» را تفسیر نموده در سایه کسب امتیاز توأم علم و ایمان، به ترفیعات الهی دست یافته و شهرت جهانی جاودانی را کسب نماید.

در مجموع، هرچند تاریخ پزشکی هر کشوری به کشورهای دیگر، گره خورده و ریشه در عمق تاریخ اندیشه و تمدن انسانها دارد و نمیتوان طب ایرانی را از یونانی و اسلامی را از غیراسلامی مجزا نمود و طبق روند کلی حاکم بر سیر تکاملی اندیشه و تفکر انسانها و براساس فلسفه تاریخ، همواره متقدمین، سعی کرده‌اند نتایج اندیشه‌ها و تجربیات خود را به نسل بعدی، انتقال دهند و متاخرین نیز سعی نموده‌اند با مطالعه و به کارگیری تجربیات گذشتگان، نکاتی به آن بیفزایند و به نسل‌های بعدی، منتقل کنند ولی بدون شک، تمامی اقوام در سراسر دوران تکامل علم پزشکی و بهداشت، سهم یکسانی نداشته‌اند و گاهی وقوع یک حادثه تاریخی مهم باعث تغییر ناگهانی در به ظهور رسیدن استعدادهای درونی بعضی از ملل، گردیده و در سایه این شکوفایی توانسته‌اند تا مدت‌ها پرچمدار علوم پزشکی و بهداشت در سطح جهان باشند و این واقعه تاریخی مهم در ایران باستان، چیزی جز ظهور دین مبین اسلام و تشرّف ایرانیان خداپرست به این آئین نجات‌بخش، نبوده و هم در سایه این تحوّل فکری و عقیدتی و استعداد ذاتی بود که ایرانیان توانستند قرن‌ها این پرچم را در دست داشته باشند.^۷

بدیهی است که علم و هنر پزشکی، حاصل تجربیات جهانی است و هرگز نمی‌توان حد و مرزی برای آن تعیین کرده در قالب مرزهای جغرافیایی، عقیدتی،

سیاسی و قومی و قبیله‌ای محصور و محدود نمود. ابن سینا، جالینوس، پاستور و یا سیدنهام بیش از آن که ایرانی، یونانی، فرانسوی و یا انگلیسی باشند بزرگان علم طب، محسوب می‌شوند و متعلق به جهانیان بوده و بویژه به مللی تعلق دارند که راه آنان را می‌پیمایند و اهداف آنان را دنبال می‌کنند. چرا که بین آن‌هایی که در راه حل یک مشکل بخصوص تلاش می‌کنند یک رابطه معنوی قوی در خارج از محدوده ملیت و حدود و ثغور سیاسی و جغرافیایی، برقرار می‌باشد.

طب به منزله درخت تنومند و باشکوهی است که شاخه‌های فراوان و متعدد آن به اقصاد نقاط جهان کشیده شده است و رویکرد مجزا به هریک از شاخه‌ها بدون در نظر گرفتن تنه اصلی و سایر شاخه‌ها منطقی به نظر نمی‌رسد.^۱

هدف از نگارش این مقاله، آشنایی بیشتر با راه و روش ابن سینا و کشف رمز موفقیت او و اقتباس از شیوه‌های موثر و مفید وی به منظور کسب موفقیت‌های آموزشی - پژوهشی و استفاده از این رهاوردها به منظور حفظ و ارتقاء سلامتی انسانها می‌باشد.

نهالی که از آمیزش علم و ایمان، شکوفا شد و زمینه‌ساز شکل‌گیری طب اسلامی و پیدایش رازی، اهوازی، ابن سینا، جرجانی و ... گردید:

مردم عربستان دارای تمدن درخشانی نبودند و ورود آنان در اوایل ظهور اسلام به ممالک مفتوحه بر علم و معرفت مردم نیفزود. زیرا از لحاظ علم و معرفت، چیز تازه‌ای نداشتند که عرضه کنند و فرهنگ جدیدی که در سایه درک مفاهیم قرآنی شکل گرفت و بنام فرهنگ اسلامی مشهور شد هنوز تکامل نیافته بود و قرن اول ظهور اسلام به همین منوال گذشت. ولی پویایی و واقع‌نگری دین مبین اسلام و تاکید این آئین انسان‌ساز، بر کسب علم و معرفت و تشویق پیروان خود به پژوهش در پدیده‌های گیتی و همچنین آمیختگی فرهنگ‌های مختلف در

سرزمین‌های مفتوحه و وجود مراکز آموزشی - پژوهشی باسابقه‌ای در جندی‌شاپور، حرّان و اسکندریه این موقعیت را فراهم کرد تا در قرون بعدی نهالی که با آمیزش علم و ایمان، آبیاری شده بود به بار بنشیند، فرهنگ غنی ایران باستانی قبل از اسلام (ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان ... و ایران فعلی)، تاریخ و فرهنگ پیشرفته مصر باستان و سایر مللی که به این دین مبین تشریف یافته بودند شکوفا گردد و دانشمندی همچون رازی، اهوازی، ابن سینا، جرجانی و ... را در دامن خود بپرورد و به جهانیان، عرضه نماید.^۱

شکل‌گیری طب اسلامی

در چنین عرصه مناسبی کتب پزشکی و بهداشت بوسیله مترجمان نیمه آخر قرن دوم و اوائل قرن سوم از یونانی و سریانی و فارسی و هندی به عربی ترجمه شد و به علت احتیاج روزافزونی که تمام ملل اسلامی به این علم داشتند در اندک مدتی به اوج ترقی خود رسید و علما و فضیلا بزرگی از میانشان برخاست. همان‌هایی که در دوره تمدن اسلام با مجاهدت و پشتکار خود به کشف بسیاری از داروها و طرز استعمال آنها و درمان بسیاری از بیماری‌ها موفق شدند و خدمات زیربنایی آنان به پزشکی و بهداشت جهانی غیرقابل انکار است.

تکامل علم و هنر پزشکی در سایه کوشش‌های پزشکان ایران باستانی

آنچه که در صفحات قبل، نگاشته شد به منزله ابر و باد و مه و خورشید و فلکی بود که در سایه پویایی و ترقی‌خواهی اندیشه‌های اسلامی دست به دست هم دادند و زمینه را برای شکوفا شدن استعدادهای برخاسته از علم و ایمان در بزرگان، همچون ابن سینا فراهم نمودند. باشد که هیچیک از جهانیان با زیر پا گذاشتن حق

سایر ملل جهان، طب سنتی گیتی را تحت عنوان طب یونانی صرف، اسلامی صرف، هندی صرف، ایرانی صرف، ازبکستانی صرف ... و عربی صرف نامند و بر سر ایرانی بودن یا نبودن ابن سینای بخارا نَسَب جهان شمول خوارزم و وطن گرگان مکان ری زی اصفهان آشیان آرمیده در آرامگاه همدان با یکدیگر نزاع نکنند. بلکه طب رایج را زاییده پزشکی نیاکان اسلامی، مسیحی، کلیمی، زردشتی، یونانی، هندی و مصری ... دانسته، ابن سینا را دانشمندی متعلق به تمامی جهانیان و منسوبین او را پویندگان راه و روش پربرکت و افکار توحیدی حرکت آفرین وی بدانند و اینک که هم از نگاه اجتماعی و هم از منظر عقیدتی، لزوم جهانی شدن را در تمامی روابط انسانی، احساس نموده‌ایم این شخصیت جهانی جاوید را با محدود کردن به زمان، مکان و مذهب خاصی با عقده‌های حقارت قومی - قبیله‌ای، تحقیر نکنیم و از جهانی بودن، به ایرانی بودن، عرب بودن، اسماعیلی بودن ... و ازبکستانی بودن، محدود نماییم.

زادگاه و آرامگاه ابن سینا

آنگاه که شمال غربی کشور پهناور ایران باستان تا مرزهای اسپانیا و فرانسه توسعه یافته بود و از شمال شرقی تا مرز کشور چین گسترش داشت و شهرهای بزرگ سمرقند، بخارا، قبادیان، خوارزم، شوش، خجند و ... به عنوان جهان شهرهای اسلامی مطرح بودند خورشید جهان افروز ابن سینا در یکی از روستاهای بخارا طلوع نمود. وی در این شهر مقدمات علوم زمان خود را فرا گرفت و مدارج اولیه کمال را پیمود و عمر کوتاه ولی پُربرکت خود را وقف مسافرت‌های علمی، تحقیق، تالیف، پیشگیری و درمان نمود. ولادت او در سال ۳۷۰ هجری قمری، مصادف با اول شهریورماه ۳۵۹ هجری شمسی و ۹۸۰ میلادی اتفاق افتاد، مدت عمر او پنجاه

و سه سال بود. و سرانجام در همدان به خاک سپرده شد. درود بر او که شکوفایی هوش و استعداد انسان خداجوی متوکل و تلاشگر را به نمایش گذاشت و پیام جاوید بهداشت گرایی و پژوهش محوری را به تمامی جهانیان، ابلاغ نمود.

پیام‌های حرکت آفرین و مسئولیت‌زا و آموزنده آن عالم ربانی که برای تمامی نسل‌ها به یادگار مانده است ارتباط مستقیمی به القاب او ندارد بلکه در سبک نگارش کتاب‌ها، مندرجات آنها و تحمل رنج و سختی‌هایی است که موجبات تقویت وی را فراهم می‌کرده و لذا با صراحت بیشتری باید به این جنبه‌ها پرداخته و چهره علمی وی را که در سایه تلاش، پشتکار، پایداری، شکیبایی و توکل به ذات اقدس الهی، چهره‌ای منور و روح‌افزا است برای نسل امروزی به خوبی ترسیم نماییم^۹ که ذیلاً بر نکات مهمی در این زمینه اشاره خواهیم نمود:

نکاتی چند در خصوص شناخت بیشتر کتاب قانون در طب و مؤلف آن

ادبیات توحیدی یا عارفانه یا بینش خدامحورانه

منظور از ادبیات توحیدی، اعتراف به هدفداری در خلقت و تماشای جلوه‌های عظمت آفریدگار قادر متعال در تمامی نمودهای هستی اعم از آب، گیاه، انسان و ... است^{۱۰}، همانگونه که سعدی، هر ورقی از برگ درختان سبز را به منزله کتابی در زمینه معرفت کردگار می‌بیند^{۱۱}، مولانا در یک نگاه کلی به تمامی کائنات و مشاهده اشتغال تمامی هستی به صیروت الی‌الله، خالق این همه نظم و زیبایی را می‌ستاید^{۱۲}. فردوسی، نهال قامت رعناى حق را در شگفتی‌های جان و تن می‌بیند^{۱۳}، حافظ، با شنیدن صدای بلبل از بین شاخه‌های درخت سرو، به یاد وادی مقدس و ظهور شعاعی از انوار لایتناهی حق تعالی از لابلای شاخ و برگ درخت و گفتگوی خداوند با حضرت موسی (ع) می‌افتد^{۱۴}، ابن سینا نیز در حالی که با

جدیت تمام مشغول توصیف آناتومی و فیزیولوژی دستگاه گوارش است ناگهان با مشاهده آنهمه هدفداری در خلقت بدن، جلوه مبارک جمال حق را مشاهده کرده ناگهان عنان اختیار از کف می‌دهد و نه در حاشیه و پراتنز بلکه در ادامه متن کتاب با عظمت قانون به ذکر هدفداری در ساختمان و عمل روده‌ها می‌پردازد^{۱۵} و با شرح کلیه‌ها و مثانه و عظمت کارایی این دستگاه، بار دیگر به ستایش عظمت خلقت بدن پرداخته^{۱۶} و هدفداری در تغییرات آناتومیک بدن خانم‌های باردار به منظور آمادگی کامل جهت زایمان طبیعی، به عنوان جلوه دیگری از جمال زیبای خالق متعال او را به ستایش آفریدگار، وامی‌دارد^{۱۷} و در سراسر این کتاب بارها بر خالق توانا درود می‌فرستد و گویی در جزء جزء ارگان‌های بدن، به جستجوی خداوند می‌پردازد و می‌یابد... این‌گونه اندیشه‌ها و این سبک کتابت را اصطلاحاً «ادبیات توحیدی» می‌گوییم که در نوشته‌های دانشمندان صدر اسلام، به چشم می‌خورد ولی متأسفانه تدریجاً در طول تاریخ، با استفاده از ترجمه‌های سرد و بی‌روح کتب و مقالات غربی، دیگر چنین سبکی در نوشته‌های پزشکی به چشم نمی‌خورد^{۱۸}. بنابراین این سینا کتاب قانون را با بهره‌گیری از ادبیات توحیدی، نگاشته است که بسیار دل‌نشین و پرجاذبه است. همان ادبیاتی که گمشده نسل سرگشته فعلی را تشکیل می‌دهد.



جایگاه فعلی قانون در طب ابن سینا

برای سهولت بیان مسئله، علم و هنر پزشکی را به درخت تنومندی تشبیه می‌کنیم که از آغاز پیدایش بشر و از زمانی که درد و بیماری به سراغ انسان‌های اولیه آمده است کاشته شده و در سراسر جهان بوسیله دانشمندان تمامی اعصار، مخصوصاً ایران باستان، هند، چین و یونان باستان آبیاری گردیده است و اینک با تشریح ریشه‌های این شجره طیبه می‌توان به نقش قانون ابن سینا پی برد. بطوری که با مطالعه متن کتاب مزبور، به سه نوع مطلب که یادآور سه نوع ریشه است بر می‌خوریم؛ ریشه‌های پوسیده، ریشه‌های از کار افتاده و ریشه‌های فعال.

منظور از ریشه‌های پوسیده، آن دسته از باورهای پزشکی است که از قبل از ابن سینا نیز وجود داشته ولی حتی در اوائل هزاره دوم میلادی بوسیله این دانشمند افتخار آفرین قابل قبول نبوده و صراحتاً مردود اعلام گردیده بطوری که خوراندن

خون سگ هار به انسان هارگزیده را ابن سینا مردود اعلام کرده و اثرات ضدجادویی گیاه عوسج را بنا به زعم گروهی از مردم یادآور شده بدون اینکه بر آن صحه گذارد. ولی در عین حال در متن کتاب قانون، به آن اشاره شده است. منظور از ریشه‌های از کار افتاده، باورها و تجربیات موفقیت‌آمیز گذشتگان است که امروزه در سایه پیشرفت‌های علمی و بهره‌گیری از تکنولوژی نوین، جای خود را به باورها و شیوه‌های جدید داده است نظیر نسخه‌های پیچیده و مشکل ابن سینا برای درمان جذام، سل و بسیاری از بیماری‌های دیگر در آن زمان و بنابراین چنین ریشه‌هایی رسالت و نقش خود را ایفا کرده و زمینه‌ساز رشد و نمو ریشه‌های جدیدی در اعصار بعدی شده‌اند و اینک نه تنها بعنوان یک سند تاریخی، موجودیت خود را حفظ کرده‌اند بلکه سوژه‌های تحقیقاتی بسیار مناسبی برای پژوهشگران رشته‌های داروسازی و پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها را تشکیل می‌دهند تا شاید بتوانند با کشف فرمولاسیون آنها داروهای سالم‌تر و موثرتری را به جهان پزشکی، عرضه کنند.

و بالاخره منظور از ریشه‌های فعال، مطالب زنده و پویا و قابل استناد فعلی در متن کتاب قانون است که بعضی از آنها را پس از گذشت بیش از هزار سال، هم‌اکنون در دهه اول هزاره سوم میلادی نیز می‌توان با سر بلندی و افتخار در محافل پزشکی و بهداشت، مطرح، در کتاب‌های درسی پزشکی، مورد استناد و در کلاس‌های پزشکی و بهداشت، تدریس نمود که در صدر این‌گونه مطالب می‌توان به افکار بهداشتی ابن سینا در مورد تعریف بهداشت، بهداشت محیط، بهداشت مادر و کودک، بهداشت سالمندان، بهداشت مسافران، اهمیت بهداشتی ورزش، نکات آموزنده‌ای در خصوص برخی از بیماری‌های عفونی و... اشاره نمود و در تهیه مقالات و کتب درسی پزشکی و بهداشت به آنها استناد کرد^{۱۷}.

بهداشت‌گرایی در قانون ابن سینا

همان‌گونه که در آغاز این مقاله نیز یادآور شدیم؛ ابن سینا هدف طب را حفظ تندرستی به هنگام سلامت، و بازگرداندن آن در زمان بیماری دانسته و در جا به جای کتاب قانون در طب، در خصوص اهمیت بهداشتی ورزش، بهداشت محیط، بهداشت خانواده، بهداشت مسکن تأثیر عوامل مختلف بر سلامتی انسان و احتراز از عوامل بیماری‌زا بیش از بضاعت علمی آن روز، قلم‌فرسایی نموده و پیام جاوید جامعه‌نگری و بهداشت‌گرایی خود را ابلاغ کرده است که در کتب جامع بهداشت عمومی و سیری در پزشکی نیاکان به آن پرداخته شده است.^{۱۸}

پژوهش‌محوری در قانون ابن سینا

پزشکی نیاکان و بخصوص قانون در طب ابن سینا، نه تنها جامعه‌نگر و بهداشت‌گرا بلکه پژوهش‌محور نیز بوده و همواره انجام آزمایش را بر روش قیاس، ترجیح می‌داده و پیش‌کسوتان این وادی و از جمله ابن سینا، خود اهل پژوهش و تفحص بوده بر لزوم انجام آزمون، قبل از تجویز بسیاری از داروها تاکید نموده‌اند و جا دارد با رویکردی جدید و با بهره‌گیری از ابزارهای نوین پژوهشی، جمله به جمله میراث مکتوب پزشکی نیاکان، گزارشات موردی و گزارشهای موارد مندرج در قانون ابن سینا را به عنوان فرضیات و عناوین پُر بار پژوهشی در نظر گرفته آنچه را که ابن سینا، آرزوی آزمون آن را داشته ولی به دلیل نبود وسایل و فناوری لازم، هرگز نتوانسته به آزمون بگذارد با بهره‌گیری از تجهیزات نوین آزمایشگاهی و ابزارها و نرم‌افزارهای اپیدمیولوژی و آمار حیاتی، بیازماییم و پرده از رازهای درونی و خواص پیشگیرنده و درمانی بسیاری از مواد موجود در طبیعت، و بسیاری از شیوه‌های تشخیصی طب نیاکان، برداریم.^{۱۹}

رویکرد منطقی به علل و اسباب سلامت و بیماری و اجتناب از افکار خرافی در کتاب قانون

آمیختگی پزشکی با خرافات و جادو تقریباً در تمامی اقوام و در طب قدیم قبل از اسلام، جلب توجه می‌کند. به طوری که طبق تصریح کتاب تاریخ پزشکی قبل از اسلام، مصریان، سحر و جادو را در طب دخالت می‌دادند (ص ۴۹) و این موضوع در پزشکی ایران قبل از اسلام نیز خودنمایی می‌کند (ص ۱۰۸) و به نظر برخی از پژوهشگران، ریشه در عقاید خرافی مصر، ماوراءالنهر و بسیاری از کشورهای دیگر دارد (ص ۲۲۵) ^{۲۰} و جالب توجه است که در هیچ یک از منابع اصلی پزشکی نیاکان، جایی برای خرافات نگذاشته‌اند و حتی ردّ پایی از افکار و اعمال خرافی یافت نمی‌شود. تا آنجا که با بهره‌گیری از قابلیت جستجوی سریع و دقیق نسخه‌های الکترونیکی الحاوی رازی ^{۲۱}، کامل‌الصناعه اهوازی ^{۲۲}، قانون در طب ابن سینا ^{۲۳} و ذخیره خوارزمشاهی ^{۲۴} می‌توان به این نتیجه رسید که نه تنها فصلی و صفحه‌ای به مسائل خرافی اختصاص نداده‌اند بلکه حتی در یک جستجوی کلمه به کلمه این آثار نیز جمله‌ای و واژه‌ای به میان نیامده است و اگر در جلد دوم کتاب قانون در طب فقط یک‌بار واژه «سَحْرَه» به معنی جادو به کار برده شده است در خصوص دارویی به نام «عوسج» است که به گمان عده‌ای (زَعَمَ قوم ...) اگر این دارو بر در و پنجره آویخته شود جادو را باطل می‌کند ^{۲۵}.

شایان ذکر است که متأسفانه در دوران صفویه با رسوخ جادو و طلسمات و طالع‌بینی و این‌گونه افکار و اعمال دور از واقع به عرصه پزشکی و بهداشت، مواجه گردیدیم که در صفحات مختلف کتاب «وضعیت پزشکی در دوران صفویه» کاملاً مشهود است. تا آنجا که موجبات بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به طب نیاکان را فراهم کرده و انسان خردمندی نظیر نادرشاه که در سال‌های قبل از

تاسیس سلسله افشاریان، جزو سرداران بزرگ سلسله صفویه به حساب می‌آید دچار بی‌اعتمادی کامل شده و با گرایش به اطبای خارجی همواره از پزشکان ایرانی اجتناب می‌کرده است.^{۲۶} ولی با این وجود خوشبختانه متن کتب چهارگانه الحاوی، کامل‌الصناعه، قانون و ذخیره هرگز مورد تحریف واقع نشده و جز مواردی که به مرور زمان تکامل یافته و با پیشرفت دامنه دانش و تکنولوژی، جای خود را به شیوه‌های نوین پزشکی داده است بقیه موارد همان‌گونه که مولفان، نگاشته‌اند همچنان به قوت خود باقیست و در برخی از آنها پیام‌های حرکت آفرین و نویدبخشی وجود دارد و برق پویایی خیره‌کننده‌ای به چشم می‌خورد ... برق خداجویی استدلالی و ادبیات توحیدی^{۲۷}، برق اخلاق در پژوهش فضیلت‌گرا^{۱۹}، برق اولویت داشتن پیشگیری بر درمان و بهداشت بر پزشکی که به برخی از آنها ذیلاً اشاره می‌گردد:

ابن سینا در آغاز کتاب قانون در طب خود هدف پزشکی را در درجه اول، حفظ تندرستی به هنگام سلامت یعنی پیشگیری اولیه و نهایتاً بازگرداندن سلامتی به کالبد افراد بیمار (پیشگیری سطح دوم و سوم) بیان می‌کند^{۱۸} در ابتدای کتاب اول قانون). هاری را نتیجه رسوخ اجنه و شیاطین به مغز انسان نمی‌داند بلکه حاصل ماده مضر می‌داند که در دهان حیوانات هار وجود دارد (ویروس هاری) و از محل گزش آنها وارد بدن انسان می‌شود و به همین دلیل بر شستشوی محل زخم و اجتناب از بخیه زدن آن که امروزه نیز کاملاً مراعات می‌شود تاکید نموده و حتی پیام درمان‌پذیر بودن هاری تا قبل از شروع علائم «ترس از آب» را نوید می‌دهد^{۲۸} تا بلکه دست‌اندرکاران پزشکی نوین که هاری را در زمره بیماری‌های درمان‌ناپذیر طبقه‌بندی می‌کنند این فرضیه را به آزمون بگذارند و با بهره‌گیری از علم و ابزار پیشرفته امروزی چنین دارویی را کشف و یا تولید نمایند. وی همچنین

معتقد است که سل یکی از بیماری‌های مسری قابل درمان است و نسخه‌هایی را در این خصوص پیشنهاد می‌کند^{۲۹} و در این زمان که با پدیده شوم سل مقاوم به چندین دارو مواجهیم امید خود را از دست نداده فارماکولوژیست‌های ما بر روی نسخه‌های ابن سینایی تحقیق کنند و داروهای جایگزین یا مکملی را تولید نمایند و به کابوس وحشتناک سل مقاوم به تمامی داروها خاتمه دهند.

این دانشمند عالیقدر در آن زمان که جذام را نتیجه خشم خدایان و نفرین کائنات می‌دانستند بر این‌گونه خرافات، پشت کرده با صراحت هرچه تمامتر به این نتیجه می‌رسد که هرچند جذام را جزو سرطان‌ها طبقه‌بندی کرده‌اند (در آن زمان) ولی عجیب است که همچون بیماری‌های مُسری دارای قابلیت سرایت است و از بیماران به همسایگان آنها و از مادران مبتلا به جنین آنان انتقال می‌یابد و ریشه در فقر و بدی وضع مسکن دارد و در عین حال درمان‌پذیر است ...^{۳۰} و در آن زمان که آغاز آن را یا آغاز خلقت یا آغاز شکل‌گیری دانش و تجربیات انسانی تشکیل می‌داده و در تمامی آن دوران تصور می‌کرده‌اند کرم یک متری در اکونکولوس مدینسیس (پیوک)، رگ آسیب دیده و بیماری است که باید جزو بیماری‌های عروقی طبقه‌بندی شود ابن سینا با یک شبهه خردمندانه به فکر می‌افتد که شاید هم موجود زنده‌ای باشد (کانه حیوان ...) و اضافه می‌کند که این ناخوشی که بیماری رگ مدینه‌ای‌ها نامیده می‌شود صرفاً در مدینه (حجاز) یافت نمی‌شود بلکه در اسکندریه مصر و خوزستان ایران نیز به فراوانی منتشر می‌باشد^{۳۱}.

یادآور می‌شود که این بیماری که به مدت چندین قرن متوالی یکی از معضلات بهداشتی بسیار جدی مردم رنج‌دیده، آسیب‌پذیر و محروم از نعمت آب آشامیدنی سالم استان هرمزگان را تشکیل می‌داد به برکت انقلاب اسلامی، فعالیت‌های مرتبط با بهداشت محیط وزارت بهداشت و تلاش کارکنان جهاد

سازندگی در اوایل انقلاب اسلامی، در راستای آبرسانی به روستاها و مناطق دور دست، طبق اعلام سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۷ به مرحله حذف رسیده و سال‌هاست که حتی یک مورد جدید آن در کشور ایران حادث نشده است.^{۳۲} و به منظور جلوگیری از اطاله کلام، در خصوص بهداشت عمومی از دیدگاه پزشکی نیاکان^{۱۸}، مبانی اپیدمیولوژی بالینی در قانون ابن سینا^{۳۳} ... و مبانی طب سالمندان در قانون ابن سینا^{۳۴} خوانندگان محترم را به ملاحظه نتایج تحقیقات انجام شده در مقالات ذریبط دعوت می‌نمایم.

قانون ابن سینا به عنوان منبع درسی دانشگاه‌های اروپا

گوستاو لوبون درباره کتاب‌های ابن سینا چنین نوشته است؛ کتاب‌های ابن سینا به بیشتر زبان‌ها ترجمه شده و تا شش قرن کتاب‌های او مرجع علم پزشکی بوده است و در تمام دانشگاه‌های فرانسه و ایتالیا، تنها کتاب درسی همان کتاب‌های ابن سینا بود و در دانشگاه شهر مون پلیه تا چند دهه پیش نیز تدریس می‌شد.

ابن سینا و فلسفه

بحث در مورد فعالیت‌ها و تألیفات فلسفی ابن سینا تخصص و توان متفاوت و مقالات دیگری را می‌طلبد و لذا در این خصوص فقط به این نکته مهم اکتفا می‌شود که؛ در میان فلاسفه، ابن سینا به عنوان بزرگ‌ترین فیلسوف اسلامی دارای نظام فلسفی استوار و درخشانی است. ویژگی مهم ابن سینا که از او شخصیتی یگانه و ممتاز نه تنها در جهان اسلام، بلکه در کل قرون وسطای مغرب زمین ساخته، این است که وی توانست از برخی مفاهیم اساسی در فلسفه بطور مستدل تعریفی خاص ارائه کند.^{۳۵}

شخصیت بوعلی در زمان حیاتش و شهرت کتاب‌هایش بعد از خودش که محور بحث میان اهل فضل بود و متخصصان آن کتب بیشتر در ایران باستان، یافت می‌شدند سبب شد که مرکز ثقل فلسفه و طب از بغداد به ایران منتقل گشت.^{۳۶}

ترور شخصیتی ابن سینا

تلاش‌های مذبحانه دشمنان و غاصبان حقوق ملت‌ها در راستای مسخ شخصیت و ترور شخصیتی ابن سینا به منظور یکبار مصرف جلوه دادن و اثبات غیرقابل تکرار بودن و غیرقابل تکثیر بودن این شخصیت جهانی و به عبارت دیگر سرکوب انگیزه ابن سینا شدن در بین ملت‌های مسلمان که با نقشه‌های ماهرانه‌ای در همان سده‌های اوّل بعد از رحلت وی، به اجرا گذاشته شد و تا حدود زیادی هم موفقیت‌آمیز بود را به آسانی نمی‌توان فراموش کرد!؟ چرا که با تهمت کفر و الحاد در رابطه با افکار فلسفی، موفق به ممنوعیت موقت تدریس کتب فلسفی ابن سینا و به تبع آن کمرنگ شدن برنامه‌ها و کتب پزشکی او در ممالک اسلامی شدند و در عین حال به ترجمه سریع قانون به زبان‌های زنده آن زمان و استفاده از آن به عنوان کتاب درسی معتبر پزشکی در ممالک غربی پرداختند و به منظور ترور شخصیتی این دانشمند خداجوی، تهمت عیاشی و شرابخواری و خودبزرگ بینی به او زده داستان‌های فراوانی را در این زمینه طراحی و حتی از قول خود ابن سینا و شاگردان او در کتاب‌ها نوشتند به طوری که امر را بر بسیاری از طرفداران وی نیز مشتبه کردند و از طرف دیگر با نسبت دادن داستان‌های افسانه گونه‌ای ابن سینا را در ردیف قهرمان‌های افسانه‌های کهن نظیر امیرارسلان رومی، حسین کرد شبستری، لوک خوش شانس و زورو قرار دادند تا این فکر مخرب را به تمامی کودکان و ساده‌لوحان، القاء کنند که ابن سینا یک شخصیت استثنائی

غیرقابل تکرار دست‌نیافتنی بوده که مادر گیتی دیگر همچون او را نخواهد زاید. چرا که او قادر بود وقتی در اصفهان خوابیده است صدای چکش مسگران یزدی را بشنود و زمانی که نخ‌ری را به دست گربه‌ای و سر دیگر نخ را از پشت دیوار به دست او می‌دهند هم گربه بودن جنباننده نخ را تشخیص دهد و هم بیماری او را و نهایتاً نسخه مناسبی هم تجویز می‌کرده است. راستی یک چنین ابن‌سینایی که هیچ شباهتی به هیچ یک آدمیزادگان دیگر ندارد چگونه می‌تواند الگو باشد؟ و چه پیامی برای جوان دانشجوی امروزی دارد؟ آیا با نقشه‌های حساب شده‌ای همین هدف را دنبال نکرده‌اند که نسل‌های بعد از ابن‌سینا در زادگاه او در نهایت به همین نتیجه برسند؟ و آیا چنین ابن‌سینایی مایه ننگ و سرافکندگی نیست؟ و نباید چنین فرد موهومی را پنهان کرد و به دیگران معرفی نمود^{۳۷}.

لزوم معرفی چهره واقعی استاد

نکته دیگر لزوم معرفی چهره واقعی ابن‌سینا به عنوان یک انسان تلاشگر بسیار جدی با امید و اراده و پشتکار بسیار قوی و در عین حال متواضع و متوکل است که نه به قصد میخوارگی بلکه به نیت نجات کتاب‌های پزشکی و بهداشت پا به کاخ‌های شاهان گذاشت و علیرغم همنشینی ظاهری با بسیاری از سلاطین وقت، هرگز خوی مردابی آنان را کسب نکرد و همچون «گل مرداب» در آن محیط پرهیاهوی سیاست‌بازی‌ها رشد کرد و حماسه آفرید. انسان تلاشگری که وقتی کتاب مابعدالطبیعه ارسطو را چهل بار می‌خواند و نمی‌فهمد باز هم ناامید نمی‌شود و به دنبال راه حلی برای درک آن اثر می‌گردد. انسان متوکلی که وقتی در حل مسئله‌ای دچار اشکال می‌شود به مسجد می‌رود، نماز می‌گزارد و حل آن مشکل را از مُبدع کل می‌خواهد، دانشمند متواضعی که در کمال صداقت و عبودیت، با

خالق منان خلوت می‌کند و میگوید من سعی خودم را کردم ولی هنوز قلبم راضی نشده است و احساس دین می‌کنم. پس ناکرده‌های مرا به مَنْ و کَرَمَت کرده پندار:

مائیم به عفو تو تولا کرده از طاعت و معصیت تبراً کرده
آنجا که عنایت تو باشد باشد ناکرده چو کرده کرده چون ناکرده

او کسی است که با علمی برخاسته از ایمان و قلبی آکنده از عشق و ارادت به پیشگاه خالق بی‌همتا قانون در طب را با بهره‌گیری از ادبیات عارفانه توحیدی نگاشته و به صورت‌های مختلفی به ذکر هدفداری در خلقت پرداخته و همچون حافظ، سعدی، فردوسی، خواجه عبدالله انصاری و امثال آنان جلوه جمال حق را در زیبایی و عطر گل‌ها، آواز روح‌افزای پرندگان و سایر شگفتی‌های جهان آفرینش می‌دیده و همان‌گونه که آنان تسیحات هستی و بلکه جلوه جمال حق تعالی را در طبیعت گیاهان مشاهده می‌نمودند او نیز به مصداق کلام زیبایی مولانا اهل دل بوده (نطق آب و نطق خاک و نطق گل هست محسوس حواس اهل دل) و به نحو احسن جلوه‌های نورانی‌تری را در هدفداری خلقت انسان و ساختمان و عمل ارگان‌های مختلف بدن به تماشا می‌نشسته است و کتاب قانون که میراث گرانمای پزشکی جهان تا آن زمان بود را به رشته تحریر درآورده و چنان انرژی روح‌افزایی در کالبد درخت پزشکی و بهداشت جهان دمیده که جلوه‌های بهداشت‌گرایی پویای او را هم‌اکنون در شاخ و برگ و گل و میوه‌های این درخت با عظمت، می‌توان مشاهده نمود و هر چند دشمنان، تلاش بی‌وقفه‌ای در راه ترور شخصیتی این دانشمند عظیم‌الشان به عمل آوردند و باعث کندی روند نهضت علمی او شدند ولی هرگز موفق به محو کامل آن نگردیدند و رسالت امروز ما زدودن غبارهای ابهام از چهره منور حجت‌الحق، ابطال شخصیت

افسانه‌گونه و بدآموزی‌های ناشی از آن و معرفی چهره واقعی و افتخارآفرین و سازنده او به عنوان فردی موحد، پرتلاش، مقتدای واجب‌التقلید، بهداشت‌گرا، پژوهش‌محور و منطقی می‌باشد.^{۳۸}

الگوی افتخارآفرین

به راستی نسل جوان امروز اگر چنین ابن‌سینایی را بشناسد شیفته و مرید او نمی‌شود؟ و سعی نمی‌کند او را الگوی علمی، پژوهشی و حتی عقیدتی خود قرار دهد؟ اگر چنین است پس تلاش بی‌وقفه‌ای را می‌طلبد تا با زدودن ذهنیت‌های قبلی و فرهنگ‌سازی جدید از طریق کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها و تهیه و نمایش فیلم‌های مناسب، فرهنگ‌سازی نموده و زمینه را برای این‌گونه بینش‌ها فراهم کنیم و بدیهی است که این موضوع در مورد مثنوی معنوی، شاهنامه فردوسی، تاریخ ادبیات ایران و ... نیز صدق می‌کند و تمامی دست‌اندرکاران وظیفه دارند در راه شناخت و معرفی صحیح این آثار به نسل جوان فعلی و به تمامی جهانیان قدم بردارند و به ابن‌سینا پروری، بپردازند زیرا اینک که بار دیگر در جمهوری اسلامی و برخی از کشورهای اسلامی دیگر، شاهد احیای مجدد آموزش پزشکی نیاکان در دانشگاه‌های علوم پزشکی هستیم و سخت نیازمند رفع کمبود رازی‌ها، اهوازی‌ها، جرجانی‌ها و ابن‌سیناها می‌باشیم با زمینه‌سازی شکوفایی استعدادها به پرورش فرزندان ابن‌سینا بپردازیم و کمبودها را جبران نماییم.

به راستی ابن‌سینا اهل کجاست؟ آیا همشهری اهوازی، رازی، ابوریحان و جرجانی نیست؟ آیا هم‌محلّی بقراط و جالینوس و دیسقوریوس نیست؟ آیا هم‌کار لوئی پاستور و سیدنهام نیست؟ آیا یک ایرانیِ موحدِ متعلق به تمامی جهانیانِ پرتلاشِ متوکلِ افتخارآفرینِ قابلِ اقتباسِ تکرارپذیر قابلِ همانندسازی

نیست؟

آیا ما که از نظر ژنتیکی نسبت به سایر مردم جهان به او نزدیک تر و همزبان و هم‌مذهب اویم، به راستی همفکر و هم‌مسیر او نیز هستیم؟ آیا ما نیز هم‌کشوری او، هم‌استانی و هم‌شهری او، هم‌محلّی او و هم‌کار اویم؟ آیا ما نیز اگر مطلبی را سی و نه بار خواندیم و نفهمیدیم همچون ابن سینا ناامید نمی‌شویم و یکبار دیگر نیز می‌خوانیم؟ آیا ما نیز هرگاه به مشکلی بربخوریم که از حل آن عاجز بمانیم همچون او نماز می‌گزاریم و از خداوند منان در حل آن مشکل کمک می‌خواهیم؟ آیا ما نیز همچون او بهداشت‌گرا و پژوهش‌محوریم؟ آیا ما نیز تصمیم داریم با نوآوری و شکوفایی، برای جهان پزشکی و بهداشت، افتخار بیافرینیم؟ آیا به این نتیجه رسیده‌ایم که با توجه به دارا بودن الگوهای افتخارآفرینی همچون ابن سینا، ما نیز به عنوان یک نفر از وارثان ایران پهناور باستانی، همچون او می‌توانیم به قله‌های رفیع معرفت دست یابیم و قدمی در راه احیای این تمدن ریشه‌دار و افتخارآفرین برداریم؟

پیشنهاد اکید به محققین عالیقدر و بویژه پژوهشگران جوان اینست که به منظور احیای میراث فرهنگی طب سنتی به هنگام نگارش مقاله یا تألیف کتاب از بسترهای پژوهشی پزشکی نیاکان که خوشبختانه به صورت الکترونیک و بدون هیچگونه محدودیتی از طریق سایت اینترنتی وزارت بهداشت در اختیار همگان قرار گرفته است نیز استفاده نمایند. زیرا «استفاده از منابع و متون قدیمی یک نوع بازگشت به اصالت و هویت خویش و خودباوری است و مخصوصاً در این روزگار و شرایط که با تهاجم فرهنگی روبرو هستیم، این بازنگری میراث گذشته می‌تواند موجبات افزایش اعتماد، ایمان و عقیده پژوهشگران و نسل جدید به ثروت خود باشد»^{۳۶}.

و اجازه می‌خواهم کلام آخر را از قول علامه عالیقدر، آیت الله مرتضی مطهری در کتاب نفیس خدمات متقابل اسلام و ایران نقل کنم: «ابوعلی حسین بن عبدالله ابن سینا؛ اعجوبه دهر و نادره روزگار، کسی است که شناختنش یک عمر و شناساندنش کتابی بسیار قطور می‌خواهد»^{۳۹}.

فهرست منابع

1. Goharin, S. Sadegh, Hojjatol hagh abu Ali Sina (Avicenna), Toos Publishers, Tehran Iran. 1995; 2: 58.
2. Quran, Chapter 27 (Naml), Verse 34 (She said: "Verily! Kings, when they enter a town (country), they despoil it, and make the most honourable amongst its people the lowest. And thus they do.).
3. A Famous prayer of Imam Reza.
4. Hatami H, Avicenna Canon of Medicine a Heritage Due to Dialogue Among Civilizations. In: Hatami H. An Overview of Iranian Traditional Medicine, Iran University of Medical Sciences. 2004; 103-114. [Cited 2011 September 01]. Available from: http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/TRADITIONAL_MEDICINE/TRADITIONAL_MEDICINE_INDEX.htm
5. Hatami H.: Director's Message, The 1st International Congress of Public Health and Preventive Medicine, Kermanshah University of Medical Sciences: 2000; 3-5.
6. Quran, Chapter 58 (Al-Mujadila), Verse 11 (Allah will raise up, to suitable ranks and degrees, those of you who believe and who have been granted Knowledge: and Allah is well-acquainted with all ye do).
7. Jorjani S. Esmail, Khofieh Alaei, Analysis by: Velayati AA. And Nadjmabadi M. E-book, Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research. [Cited 2011 September 01]. Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/JORJANI KHOFE ALAEI EBOOK/JORJANI KHOFEALAEI1.pdf>
8. Browne G. Edward, History of Islamic Medicine, Translated by: Rajabnia M. 5th ed. Elmi&Farhangi Publishers. 1992; 1-30.
9. Hatami H, Principles of Medical Ethics in Ancestor's Medicine. In: Hatami H. (ed.) Clinical Epidemiology in Modern & Traditional Medicine, 1st ed. Idehpardazane Fan va Honar Publishers, Tehran: 2009; 314-352. [Cited 2011 September 01]. Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/CLINICAL-EPIDEMIOLOGY/E-BOOK/EPIBOOK11.pdf>
10. Hatami H, Monotheistic literature in Kharazmshahian Zakhireh (Medical encyclopedia). In: First Congress Commemoration of Hakim Jorjani, Academy of Medical Sciences & Gorgan University of Medical Sciences. 2002; 208-215.
11. Saadi M, Saadi, poems, Sonnet 296, E-book, Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

http://www.elib.hbi.ir/persian/PERSIAN_COMPUTERIZED_BOOKS_FOR_DOS/COMPUTERIZED.htm

12. Molavi M, Masnavi, Book 3, Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

http://www.elib.hbi.ir/persian/PERSIAN_COMPUTERIZED_BOOKS_FOR_DOS/COMPUTERIZED.htm

13. Ferdosi A, Shahnameh, Introduction, Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

http://www.elib.hbi.ir/persian/PERSIAN_COMPUTERIZED_BOOKS_FOR_DOS/COMPUTERIZED.htm

14. Hafez S. M, Poetry, Sonnet 486, Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

http://www.elib.hbi.ir/persian/PERSIAN_COMPUTERIZED_BOOKS_FOR_DOS/COMPUTERIZED.htm

15. Sina H. (Avicenna), Canon of Medicine (English, Arabic, Persian), *Book3, Part 16, Chapter 1*, {K3FA16G1} Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-03/CANON0-FAR-03%20777.pdf>

16. Sina H. (Avicenna), Canon of Medicine (English, Arabic, Persian), *Book3, Part 19, Chapter 1*, {K3FA19G1} Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-03/CANON0-FAR-03%20955.pdf>

17. Sina H, (Avicenna), Canon of Medicine (English, Arabic, Persian), *Book3, Part 21, Chapter 2*, {K3FA21G1F2} Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-03/CANON0-FAR-03%201072.pdf>

18. Hatami H, Public Health and Preventive Medicine in view of Avicenna, Journal of Medical Council of Islamic Republic of Iran. 2000; 3: 223-38.

19. Einollahi B, Zali AR, Hatami H, Research Centeredness in Ancestor's Canon of Medicine (Alternative Medicine in Iran and Islamic World), *Teb-Vae-Tazkiyeh*, 2008; 68: 08-20.

20. Nadjmabadi M. (ed.) History of Medicine in Iran, Tehran University Publishers, Tehran. 1996; 477-607. [Cited 2011 September 01]. Available from:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/HISTORY-OF-MEDICINE-DR-NADJMABADI/NADJM-INDEX-MAIN.htm>

21. Razi MZ. (Razes): Alhavi (Encyclopedia of Traditional Medicine), Electronic Version, Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009: 1979. [Cited 2011 September 01]. Available from:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/RAZI/HAVI.htm>

22. Ahvazi AA, Kamel-al-Sanaah (Encyclopedia of Traditional Medicine), Electronic Version, Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/KAMEL-AL-SANAE/KAMEL-AL-SANAAH/KAMEL-CONTENTS.htm>

23. Sina H, (Avicenna), Canon of Medicine (English, Arabic, Persian), Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-WEB.htm>

24. Jorjani SE, Zakhireh Kharazmshahi, (The first Persian Medical Encyclopedia), Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/INDEX-ZAKHIREH.htm>

25. Sina H, (Avicenna) Canon of Medicine (English, Arabic, Persian), *Book2, Part2, Chapter 16*, {K2J2GHF16-16} Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-02/CANON0-FAR-02%20394.pdf#K2J2GHF16-16>

26. Elgood C, Safavid Medical Practice, Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/ISLAMIC-CULTURE&CIVILIZATION/HISTORY-OF-MEDICINE-SAFAVIDS/HISTORY-OF-MEDICIEN-SAFAVIDS/SAFAVIDS-CONTENTS.htm>

27. Hatami H, Hatami M, Azari RR, A Review of Principles of Ethical Issues of Research and Medical Ethics in our Ancestor's Medicine (Traditional Medicine) Approach, *Teb&Tazkiyeh*. 2009: 69; 82-95.

28. Sina H, (Avicenna) Canon of Medicine (English, Arabic, Persian), *Book4, Part 6, Chapter 3*, {K4FA6G4F3} Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-04/CANON0-FAR-04%20533.pdf#K4FA6G4F3>
29. Sina H, (Avicenna) Canon of Medicine (English, Arabic, Persian), *Book3, Part 10, Chapter 11*, {K3FA10G4F11-4} Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-03/CANON0-FAR-03%20394.pdf>
30. Sina H, (Avicenna) Canon of Medicine (English, Arabic, Persian), *Book4, Part 3, Chapter 3*, {K4FA3G3} Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-04/CANON0-FAR-04%20324.pdf#K4FA3G3>
31. Sina H. (Avicenna) Canon of Medicine (English, Arabic, Persian), *Book4, Part 3, Chapter 10*, {K4FA3G2F10} Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. [Cited 2011 September 01]. Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-04/CANON0-FAR-04%20321.pdf#K4FA3G2F10-1>
- 32) Dracunculiasis, Certification of eradication; Weekly Epidemiological Record, WHO, 7 February 1997 No. 6, PP 33-40.
33. Hatami H, Principles of Clinical Epidemiology in Avicenna Canon of Medicine, Teb-va-Tazkieh. 2000; 37: 81-90.
34. Hatami H, Principles of Geriatrics Medicine in Avicenna Canon of Medicine, Teb-va-Tazkieh. 2000; 4: 126-137.
35. Velayati AA, (ed.) The Encyclopedia of Islam and Iran: Dynamics of Culture and the Living Civilization, Book 1, Part 3. 2009, Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: [Cited 2011 September 01]. Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/ISLAMIC-CULTURE&CIVILIZATION/HISTORY-CULTURE&CIVILIZATION/HISTORY-FARHANG-VA-TAMADDON-VELAYATI/FARHANG&TAMADDON.htm>
36. Tabatabaei SM, Kalantar Hormozi AJ, Using the principles of manuscripts and old versions in the new lectures, Journal of Research In Medical Sciences. 2009; 33: 129-135.
37. Hatami H, Avicenna Canon of Medicine a Cultural Result of Dialog

Among Civilization, Second Congress of Public Health and Preventive Medicine, Kermanshah. 2001; 432-36.

38. Hatami H, Current Situation of Avicenna Canon of Medicine, Ibn-Sina (Avicenna) International Colloquium, Hamadan: 2004; 50-51. [Cited 2011 September 01]. Available from:

http://www.buali.ir/buali_content/media/article/40.PDF

39. Mutahhari M, Mutual Services of Islam and Iran. Computerized by: Hatami H. MD. MPH. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: [Cited 2011 September 01]. Available from:

<http://www.elib.hbi.ir/persian/ISLAMIC-CULTURE&CIVILIZATION/MUTAHHARI/MUTAHHARI/MOTAHARI-PART03-P3.htm>

یادداشت شناسه مؤلف

دکتر حسین حاتمی؛ دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

پست الکترونیک: hatami@hbi.ir

دکتر مریم حاتمی؛ مرکز آموزشی درمانی شهدای تجریش، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر ندا حاتمی؛ دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱/۱۶